

پیشنهاد صلح

چهارچوب کنفرانس کابل

۹ حوت ۱۳۹۶ مطابق ۲۸ فبروری ۲۰۱۸

اجماع روی صلح

همه جوانب جامعه افغانی، در مشوره با دولت و شورای عالی صلح، بر خواست تأمین صلح به اجماع رسیده اند. زنان در این گفتمان عمومی فعالانه اشتراک داشته اند تا از حقوق حقه شان که در قانون اساسی تضمین شده است، حفلظت نمایند. نمایندگان علما، جامعه مدنی، بزرگان قومی، سرمایه گذاران، دهاقین و کارگران، کارشناسان، احزاب سیاسی، محصلین و استادان، و سایر گروه ها بر ضرورت صلح از دیدگاه های متمایز تأکید داشته اند.

افغانها صلح را یک ضرورت می‌پندارند که این نیاز برخاسته از آسیب های حدود چهار دهه جنگ و بدختی و بخصوص جنگ تعریف نا شده ای که در چند سال اخیر بر مردم این کشور تحمیل شده است. اعمال وحشیانه تروریستی که بتاريخ ۱۰ جوزا ۱۳۹۶ و ۷ دلو ۱۳۹۶ در شهر کابل انجام شد بخشی از سلسله خشونت هایی است که در مقابل مردم ما صورت می گیرد. پاسخ حکومت وحدت ملی به این اجماع و نیازمندی عبارت است از؛ ایجاد یک دیدگاه برای صلح و طرح یک روند و برنامه برای تحقق آن. دیدگاه ما مطابق اوامر الهی می باشد چنانچه الله متعال در قرآن میفرماید: "و (هرگز) نیکی و بدی یکسان نیست، همیشه به نیکوترین شیوه پاسخ ده، پس ناگاه (می بینی) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوست صمیمی است." قرآن کریم سوره فصلت آیه ۳۴. ما اهداف مشترک ملی را از طریق یک روند صلح تعیین خواهیم کرد تا بتواند تفرقه و منازعات داخلی این اواخر را پایان دهد و منجر شود به ساختن یک دولت موثر، جامعه همه شمول، اقتصاد پویا و یک فرهنگ تحمل پذیری بر باور ها و ارزش های دین مبین اسلام.

تحقق این دیدگاه به مهر و رزی، باورمندی و شجاعت در توافق با طالبان نیاز دارد. ما باید شفقت لازم را در درک دیدگاه جنگجویان داشته باشیم. ما باید باورمندی به اطاعت از اوامر الهی را داشته باشیم و نقاط مشترک خویش را بحیث افغان و مسلمان جستجو کنیم. ما باید شجاعت شنیدن نارضایتی ها را داشته باشیم، عوامل ریشه ای و دلایل جنگ را ارزیابی کنیم، و همچنان به پیشنهادات مختلفه برای آشتی و مصالحه گوش دهیم. کنفرانس پروسه کابل اجماع ما روی یک صلح عادلانه و پایدار را به یک روند عملی تبدیل خواهد نمود که باعث دستیابی به یک نتیجه معتبر خواهد شد.

شرایط کنونی

در این اواخر نشانه هایی در جریان جنگ ظهور کرده که احتمال صلح را بلند برده است. نخست اینکه افغانها از اثرات وسیع کمی و کیفی این جنگ تعریف نشده در زندگی روزمره شان به ستوه آمده اند. به این ترتیب، ما نیاز به اصلاحات همه جانبه در رویارویی با مشکلات میراثی خویش همچون منازعات، جرم و جنایت و فساد اداری را احساس میکنیم. روند مصالحه بین الافغانی با حزب اسلامی به مثابه یک مثال موفقانه بوده و بیابگر چگونگی امکان پذیری آشتی است. دوم اینکه انتخابات پارلمانی سال ۱۳۹۷ و ریاست جمهوری سال ۱۳۹۸ برای کسب اعتماد مردم افغانستان نسبت به پروسه های دموکراتیک به مثابه گامی برای تداوم مشروعیت دولت مهم پنداشته میشود. سوم اینکه در سطح بین المللی تأکید بر این است که جنگ باید از راه سیاسی با طالبان پایان یابد. نکته چهارم اینکه در سطح منطقوی، ما با موفقیت به همسایگان خویش مزیت های اقتصادی و صلح آمیز یک افغانستان باثبات را ابراز داشته ایم. پنجم اینکه، جهان اسلام در یک گفتمان جدی برای مقابله با تعبیر های سوء از متون دینی برای توجیه این جنگ تعریف نا شده، در حال رسیدن به اجماع اند. طالبان از این تغییر شرایط آگاهی دارند و به نظر میرسد که در مورد پیامد های اعمال خشونت آمیز بر آینده خویش نگران بوده و در میان خویش به گفتمان می پردازند.

پیشنهاد صلح ما، برای طالبان

حکومت وحدت ملی به دنبال یک صلح واقعی و پایدار با طالبان آشتیپذیر است. ما به تساوی مشترک تمامی افغانها و حق زندگی صلحآمیز و با وقار، به شمول طالبانی که از خشونت دست بردارند، بارو دمند هستیم. ما این پیشنهاد را بدون پیششرطی، بهمنظور دست یابی به موافقتنامه صلح که شامل موارد ذیل باشد، ارائه مینماییم:

۱- تأمین حقوق و مکلفیتهای تمامی اتباع (بهویژه زنان) مطابق قانون اساسی؛

۲- پذیرفتن قانون اساسی ویا تعدیل آن مطابق احکام قانون اساسی؛

۳- پیشبرد فعالیتهای نیروهای دفاعی و امنیتی و خدمات ملکی در مطابقت با قانون؛ و

۴- اجازه ندادن برای هیچ گروه مسلحی که با شبکههای تروریستی فراملی، سازمانهای تبهکار فراملی و نهاد های دولتی ویا غیر دولتی که به دنبال نفوذ در افغانستان می باشند.

ما گام های ذیل را بهمنظور آشتی و مصالحه پیشنهاد مینماییم:

۱- یک روند سیاسی: آتشبس، شناخت به عنوان حزب سیاسی، ترتیبات اعتماد سازی انتقالی و انتخابات فراگیر، معتبر، آزاد و عادلانه؛

۲- یک چارچوب قانونی: بازنگری قانون اساسی، عدالت و حل شکایات، تطبیق قوانین و فرامین، رهایی زندانیان و حذف نام آنان از لیست تحریمها؛

۳- سازماندهی مجدد نهاد های دولت: حاکمیت قانون و اصلاحات، توسعه و انکشاف متوازن، استقرار مجدد مهاجرین و بیجا شدگان داخلی؛

۴- امنیت: تأمین امنیت برای تمامی اتباع و همچنان کسانی که خواهان آشتی بوده و مجدداً به دولت مدغم می گردند؛

۵- توسعه و انکشاف اقتصادی/اجتماعی: رشد فراگیر و پایدار، دسترسی مساویانه به زمین و دارایی های عامه، مبارزه با فساد، برنامه های ملی اشتغالزایی، ادغام مجدد مهاجرین و جنگجویان سابق؛

۶- حمایت و مشارکت جامعه بینالمللی: حمایت مالی دیپلماتیک، حذف تحریم ها و وضعیت جنگجویان خارجی؛

۷- روشهای تطبیقی، تعیین اهداف عاجل، کوتاه مدت و میان مدت و نظارت و تأیید میکانیزمها و ترتیبات.

از طالبان توقع می رود تا، نظریات خویش را در مورد روند صلح، که هدف آن کشاندن آنها به مثابه یک سازمان به گفتگو های صلح می باشد، ارائه نمایند. دولت افغانستان در مورد اینکه کی به صلح رو میآورد، پیشداوری نمی نماید، چون این روند خود منتج به شناسایی کسانی که صلح را رد می نمایند و آشتیپذیر نیستند، میگردد.

حکومت وحدت ملی به گشایش دفتر طالبان، صدور پاسپورت و آزادی سفر به آنها، کمک در از میان برداشتن تحریمها، دسترسی آنها به رسانه ها و انتقال خانواده های آنها موافقت خواهد نمود. شورای عالی صلح که توسط یک تیم مسلکی حکومت حمایت می گردد، تیمی را به منظور مذاکرات معرفی خواهد نمود؛ تیمی که زنان و اعضای جامعه مدنی نیز در آن عضویت خواهند داشت. محل برگزاری ترجیحاً کابل بوده ولی گزینه های دیگر می تواند منجمله کشور های اسلامی غیر دخیل در این جنگ، یکی از دفاتر ملل متحد ویا کشور ثالث باشد.

افغانستان از سال ۲۰۰۱ بدینسو مورد حمایت سخاوتمندانه بینالمللی قرار گرفته است که ما از آن قدردانی می نمایم.

از آن جایی که تعهدات موجوده از طریق میکانیزمهای به خوبی تعریفشده تنظیم میگردد، حمایت بینالمللی در مورد صلح و ثبات را در ساحات ذیل پیشنهاد می نمایم:

۱- حمایت همآهنگشده بین المللی دیپلماتیک برای پیشنهاد صلح به طالبان؛

۲- یک ابتکار منطقه یی که تلاشهای گوناگون کشورها یا سازمان های منطقوی را با پروسه کابل همآهنگ نموده و از پیشنهاد صلح با طالبان حمایت کند؛

۳- گفتگوهای جدی به رهبری جهان اسلام جهت مقابله با استفاده از برداشت و تفسیر از متون دینی برای توجیه نمودن جنگهای تعریف ناشده؛

۴- تلاش های هماهنگ شده و همگانی برای قناعت دادن پاکستان در رابطه با فوائد و مزایای یک افغانستان با ثبات برای راه اندازی گفتگوهای همه جانبه دولت با دولت و حمایت از پیشنهاد صلح با طالبان؛

۵- پشتیبانی از تطبیق موافقتنامه صلح، بویژه ادغام مجدد مهاجرین و جنگجویان سابقه؛

۶- حمایت از هرگونه ابتکاری در راستای تأمین صلح در افغانستان از طریق پشتیبانی از ترانزیت، تجارت و سرمایه گذاری، اصلاحات و استراتژی مبارزه علیه فساد اداری دولت و حمایت از انتخابات پارلمانی ۱۳۹۷ و ریاست جمهوری ۱۳۹۸.

ما باور کامل داریم که یک پاکستان باثبات که از طریق افغانستان با آسیای میانه متصل است، به سود منافع ملی ما میباشد. ما پیشنهاد راه اندازی گفتگوهای همه جانبه با پاکستان، به شمول بازگشت مهاجرین افغان از آنکشور در یک چهارچوب زمانی ۱۸ تا ۲۴ ماه، یکبار دیگر ارائه میکنیم. پیشرفت کار پروژه "تاپی" مثال و الگوی خوبی از یک تحول و انکشاف مثبت در منطقه است، الگویی که نشان میدهد مناطق مختلف چگونه عناصر کلیدی توسعه و پیشرفت را تشکیل میدهند. ما آماده هستیم تا مذاکرات دولت با دولت را با پاکستان بر مبنای برنامه کاری افغانستان- پاکستان برای همبستگی (APAPS) یا بر اساس یک سند مشابه تنظیم و سازماندهی نمائیم.

نتیجه گیری

برقراری و تأمین صلح، فرآیندی است که از آرزومندی آغاز گردیده و به سوی امکان پذیری و مورد اعتبار و قابل قبول بودن، به پیش میرود. منتظر اعلامیه هایی مبنی بر پیگیری و تقدیم پیشنهادات برای همآهنگی بهتر با پروسه کابل برهبری افغان ها هستیم. همانطوری که رسیدن به یک اجماع همگانی برای دست یابی به صلح یک امر مشکل به نظر میرسد، به همین ترتیب، تأمین و برقراری صلح مستلزم توجه و بذل مساعی خستگی ناپذیر میباشد.

استفاده از تجارب بدست آمده از موافقتنامه های قبلی صلح به معنای تمرکز روی تطبیق و جامه عمل پوشانیدن به توافقات صلح از طریق تأمین صلح و انجام اصلاحات و شناسایی و مدیریت خطرات قبل از مورد تهدید قرار گرفتن پروسه صلح میباشد. بنابراین، شفافیت اساس ارتباط و گفتگوهای مؤثر را تشکیل میدهد. با در نظر داشت ضرورت، تیمهای کوچک بایست موافقتنامه های صلح را مورد بحث و مذاکره قرار دهند. هرچند، تصویب و تأیید توافقات صلح نیازمند یک فرآیند شفاف و ترسیم شده ای از مشورتها میان طرفهای مختلف ذینفع در

جامعه افغانی است. زنان، که از ضایع شدن حقوق و دست آوردهای خویش هراس دارند، باید در پروسه صلح دخیل و از تحولات مربوط به آن، آگاه باشند.

تطبیق و عملی ساختن، هسته برقراری صلح را تشکیل میدهد. مسایل مهم دیگر شامل نکات آتی شده میتواند: ادغام مجدد مهاجرین و جنگجویان سابقه، حمایت های منطقی و امنیت، اصلاحات توسعه اقتصادی و اجتماعی. شفافیت و مؤثریت، باز هم کلید و اساس اعتماد سازی و نگهداشت آن با استفاده از فرآیند گفتگو و مشورتها میباشد.

با مسئولیت پذیری در قبال مشکلات، درک نقاط قوت و باور داشتن به چشم انداز و آینده کشور خویش منحصبت یک پل زمینی و چهار راه آسیایی، ما توانسته ایم تا پیشنهاد واقعی و صادقانه صلح را برای طالبان ارائه نموده و ندای صلح خواهانه خود را برای راه اندازی مذاکرات با پاکستان یکبار دیگر بلند نماییم. ما به فرمان الله تبارک و تعالی باور و اعتماد کامل داریم که گفته است: « و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی و بر خدا توکل کن ، که او شنوا و داناست». (قرآن کریم سوره مبارکه انفال، آیه ۶۱).

ومن الله التوفیق